

عملیات آژاکس یا رستاخیز ملی



فاطمه رنجبر

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

مصدق: از ملی شدن صنعت نفت تا کودتا
مصدق یکی از پیشگامان نهضت ضد استعماری معاصر بود که نه تنها در ایران بلکه در بین کشورهای جهان سوم هم از او به عنوان کسی که شجاعانه و با سرسختی تحسین برانگیزی مقابل استعمار انگلیس ایستاد، نام می‌برند. مصدق نخستین دولتمرد خاورمیانه بود که با اجرایی کردن اندیشه ملی شدن صنعت نفت، پرچم مبارزه اقتصادی با قدرتهای استعماری را برافراشت. از این رو در کشورهای خاورمیانه از او به عنوان «زعیم الشرق» یاد می‌شد. مصدق پس از سقوط رضاشاه در انتخابات دوره ۱۴ مجلس در مقام وکیل اول تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در این مجلس او برای مقابله با فشار شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران طرحی قانونی را به تصویب رساند که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند منع می‌شد... گسترش فعالیت‌های سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ سبب گسترش مبارزات مردم و به ویژه توجه آنان به وضع قرارداد نفت شده بود. دکتر محمد مصدق در مجلس و بیرون از آن این جنبش را که به «نهضت ملی شدن نفت» معروف شد، هدایت می‌کرد و در رأس مبارزات ملی شدن صنعت نفت ایران قرار داشت. با رشد جنبش ملی شدن نفت، محافل وابسته برای سرکوب جنبش تلاش‌های تازه‌ای را آغاز کردند و همزمان فشارهای سیاسی و اقتصادی از جانب انگلیس فزونی گرفت و با اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس، این فشارها ابعاد نظامی یافت. در چنین موقعیتی کارگران با اعتصاب‌ها، موقعیت دکتر مصدق را مستحکم‌تر کردند... هنگامی که دکتر مصدق توانست با جلب موافقت آیت‌الله کاشانی و نمایندگان مجلس شانزدهم در اردیبهشت ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری برسد، نخستین بند برنامه دولت خود را اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و به کارگیری درآمدهای حاصله در جهت تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی اعلام کرد. قانون ملی شدن صنعت

نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورخه نهم اردیبهشتماه ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصله از آن برای تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی اجرایی شد. در واقع بعد از ملی شدن نفت ایران، اختلافات نفتی دو کشور ایران و انگلیس بیشتر جنبه سیاسی پیدا نمود تا اقتصادی؛ از نظر دولت ایران از بین بردن سلطه کامل انگلیس بر ایران بیش از جنبه اقتصادی مسئله اهمیت پیدا کرد. دوره تاریخی ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ با تصویب قانون ملی شدن نفت به اوج رسید و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پایان گرفت. گفته می‌شود کودتای 28 مرداد علاوه بر تهران، در سایر شهرها نیز انعکاسهایی به همراه داشت، در واقع این ماجرا نظر عامه و خاصه مردم را به خود جلب کرده بود، در تهران تظاهرات ضد مصدق از صبح آغاز شد، اما در شهرهای دیگر، مردم در صبح و بعدازظهر در دو حالت متفاوت ظاهر شدند؛ از صبح تا ظهر، تظاهرات به نفع مصدق و علیه شاه در جریان بود؛ در بعدازظهر، تظاهرات برعکس گردید! آن زمان گفته می‌شد پیروزی کودتای ۲۸ مرداد در حقیقت به معنای به بن بست رسیدن جریانات «چپ» و «ملی» در ایران بود. با وقوع کودتای 28 مرداد 1332 ه. ش و سقوط دولت مصدق نهضت ملی ایران در هم شکست و با تشکیل کنسرسیومی از شرکتهای بزرگ نفت جهان، بار دیگر صادرات نفت ایران به سوی غرب از سر گرفته شد.

یروان آبراهامیان در کتاب «کودتا» تصریح می‌کند که این باور متعارف وجود دارد که بریتانیا اساساً از ابتدا با حسن نیت وارد مذاکره با ایران شد، و در این میان ایالاتمتحده نیز تلاشی جدی برای ایفای نقش میانجی یا واسطه درستکار صورت داد و در این میان علت شکست مصدق سرسختی او بود که ریشه‌اش در سرشت روان‌شناسانه شیعی او وجود داشت، در این رابطه حتی نویسندگان همدل با مصدق نیز مدعی‌اند که اگر مصدق سرسختی کمتری از خود نشان می‌داد می‌توانست به مصالحه‌ای منصفانه دست پیدا کند. (نک: آبراهامیان: کودتا: 1 12) در این رابطه گفته می‌شود آیت‌الله کاشانی در نامه‌ای تاریخی به مصدق ضمن برشمردن اشتباهات متعدد وی، خاطر نشان کرده بود که آمریکا دولت را درگرفتن نفت از انگلیسی‌ها کمک کرد و اکنون به دنبال آن است که آن را تحت اختیار خود درآورد و زاهدی که مورد پشتیبانی دربار، آمریکا و انگلیس است به دنبال کودتایی است که در تاریخ نهم اسفندماه 31 عقیم ماند. اما مصدق در جواب وی گفت: این‌جانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم به این معنا که با شما کاری ندارم و موضوع به شما ربطی ندارد و شما ارتباطی با ملت ندارید. ویلیام راجر نویسنده برخی از موشکافانه‌ترین آثار درباره

افول امپراتوری بریتانیا به‌طور کل و بحران انگلیس و ایران به‌طور
اخص چنین استدلال می‌کند که بریتانیا اصل ملی شدن نفت را پذیرفت
اما رفتار غیرمنطقی مصدق در این رابطه، باعث سرنگونی او شد. بر
اساس آنچه آبراهامیان از مارک گازیورفسکی نویسنده دقیق‌ترین آثار
موجود درباره کودتا استدلال می‌کند که کودتا ارتباط چندانی با نفت
نداشت و بیشتر معطوف به مسائل ژئوپولتیکی، ترس از کمونیسم و
تهدید شوروی بوده است؛ در واقع این دیدگاه نظر بسیاری از کسانی را
بیان می‌کند که پیش‌تر در این باره باور داشتند که آمریکا حتی
بریتانیا را نسبت به ملی شدن صنعت نفت ترغیب کرد و در این رابطه
تلاش‌هایی را صورت داد تا مناقشه از طریق مذاکره حل‌وفصل شود و
بریتانیا را از حمله به ایران منصرف کرد و در این رابطه آمریکا
این موضع را تا دوره ریاست جمهوری ترومن (1953) حفظ کرد. نویسنده
مذکور استدلال می‌کند که ایالات‌متحده و آمریکا برای توجیه کودتا از
گفتمان مسلط زمانه (زبان جنگ سرد) استفاده کرده‌اند. آنچه به نظر
میرسد این است که کودتای 28 مرداد هیچ قهرمان شاخصی به‌جا نگذاشت
اما به‌عنوان «قیام شاه و مردم» یا «رستاخیز ملی» گرامی داشته
می‌شد.

عملیات آژاکس

گفته می‌شود: عملیات آژاکس (T.P. AJAX) اسم رمز عملیات سازمان سیا
در کودتای ۲۸ مرداد است. کودتایی که به‌زعم بسیاری با طرح و حمایت
مالی و اجرایی سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (SIS) و آژانس اطلاعات
مرکزی آمریکا (CIA) و با پشتیبانی مخالفان محمد مصدق مانند سید
ابوالقاسم کاشانی باهدف سرنگونی دولت قانونی محمد مصدق در ۲۸
مرداد ۱۳۳۲ رخ داد؛ در آمریکا از آن به نام عملیات آژاکس
«Operation Ajax» می‌شود. بر طبق این ادعا طرح کودتای 28 مرداد که
به نام رمز «آژاکس» خوانده شد، پس از انتخاب چرچیل به نخست‌وزیری
انگلیس در مهر ۱۳۳۱ تهیه شد و انتخاب آیزنهاور به ریاست جمهوری
آمریکا در ماه آبان همان سال به پیشبرد این طرح در ایران کمک
شایانی کرد. این طرح مشترک با کمک عواملی در داخل ایران و دیگر
جریان‌های وابسته به انگلیس و آمریکا که از مرتب‌ترین فعال در ایران
بودند به اجرا گذاشته شد. بنا بر نوشته‌های کتاب «ضد کودتا» مأمور
سیا کیم روزولت، او در این روز با خریدن فتوای برخی از روحانیون
و همچنین دادن پول به ارتشیان، ولگردان و اوباش تهران آن‌ها را به
خیابان‌ها کشانید.

نسخه‌های تاریخی که از آژاکس سخن می‌گویند

ماجرای بحران سال‌های 1330 تا 32 را می‌توان از منابع متعددی که بعضی‌ها ایشان در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از انقلاب 1357 در دسترس قرار گرفته‌اند، استخراج کرد. در این راستا شرکت نفت انگلیس (بریتیش پترولیوم: BP) اسناد مشروح خود را در اختیار دانشگاه وارویک (Warwick) انگلستان گذاشته است. این پرونده‌ها در آرشیو ملی بریتانیا در لندن که پیش‌تر با عنوان اداره بایگانی عمومی شناخته می‌شد، در دسترس هستند.

وزارت امور خارجه آمریکا نیز پس از سه دهه طفره رفتن سرانجام در سال 1989 برخی از اطلاعات خود را در قالب مجلدهای سالانه‌ای تحت عنوان «روابط خارجی ایالات متحده» معروف به مجموعه فرس (FRUS) منتشر کرد، اما مجلدهای مربوط به ایران دچار انقطاعی عمده و توجیه‌ناپذیر بودند.

از سال ۱۹۵۳، سیا سه نسخه متفاوت از گزارش داخلی مربوط به کودتا تهیه کرده است. قدیمی‌ترین نسخه توسط یکی از طراحان نقشه، دونالد ویلبر (Donald Newton Wilber)، در ماه مارس ۱۹۵۴ - یعنی فقط چند ماه پس از اجرای عملیات تهیه شده است. این نسخه در واقع بیشترین جزئیات درباره طراحی و اجرای نقشه را در برمی‌گیرد. بنا به گفته مقامات کنونی سیا در این نسخه کمبودهایی وجود دارد. یکی از آنها عدم بی‌طرفی نویسنده است، به نظر می‌رسد ویلبر بیشتر به دانسته‌های خود به اضافه آنچه از اسناد در اختیار داشته، اکتفا کرده است. (مجلد «روابط خارجی ایالات متحده آمریکا» نشان می‌دهد که او به واکنش کرمیت روزولت بلافاصله پس از انجام عملیات دسترسی داشته است.) نکته دیگر اینکه گزارش او فقط جوانب اجرایی عملیات را در برمی‌گیرد و جوانب تحلیلی این پروژه را شامل نمی‌شود. تاریخچه ویلبر علیرغم شکایت قضایی آرشیو امنیت ملی بر اساس قانون آزادی مطبوعات در سال ۱۹۹۹، تاکنون محرمانه باقی مانده است. در واقع پنهان‌کاری بیش‌ازحد در این باره باعث شده تا مردم درک غلطی از کودتای ۱۹۵۳ داشته باشند. به هر طریق نیویورک تایمز توانست به یک نسخه از این اسناد دسترسی پیدا کند و بعضی از اسامی و جزئیات را حذف کرده و باقی مجموعه را در سال ۲۰۰۰ بر روی وبسایت خود منتشر کند. این سند تحت نظارت دایرة تاریخ سیا با عنوان «سرنگونی نخست‌وزیر مصدق در ایران» با نظارت دکتر دونالد ویلبر باستان‌شناسی که به فعالیت‌های جاسوسی روی آورده بود، تهیه شده است. گفته می‌شود هدف از تهیه آن نقد و ارزیابی دقیق کودتای 1332 و فراهم‌سازی سندی راهنما برای کودتاهای آینده در دیگر نقاط بود.

نسخه دوم، «نبرد بر سر ایران»، تاریخ مشخصی ندارد ولی در اواسط دهه ۱۹۷۰ مشاهده شده است. با در نظر گرفتن کانون تمرکز این نسخه و

لحن آن و همچنین دوره تاریخی که در آن نوشته شده است، می‌توان نتیجه گرفت که هدف نگارنده به‌وضوح دفاع از عملیات سیا بوده است. نگارنده تلاش دارد تا ثابت کند که عملیات تی‌پی آژاکس، اسم رمز کودتای ۱۹۵۳، توسط بالاترین رده‌های دولت برنامه‌ریزی و تصویب شده است. بخش حیرت‌انگیزی از این گزارش‌گزیده‌ای از مطالب رسانه‌ها را نقل می‌کند و آن‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد که به‌عمد حقایق مربوط به کودتا و آژانس مرکزی اطلاعات را تحریف کرده‌اند.

آخرین گزارش درون‌سازمانی سیا که از آن اطلاع داریم در سال ۱۹۹۸ منتشر شده است. «زنده باد شاه! آژانس اطلاعات مرکزی و سقوط نخست‌وزیر ایران محمد مصدق، آگوست ۱۹۵۳» (ویرایش شده توسط: دنیل سیگل و مالکوم برن) نام دارد. (در سال‌های اخیر نسخه‌های کامل‌تری از این اسناد منتشر شد که نسبت به نسخه‌های قبل کامل‌تر بود.) بنا به گفته مقامات سیا، یکی از اهداف این نسخه توصیف تحلیلی اقدامات سیا در جریان کودتا بود. همچنین، یک دیدگاه عمومی وجود دارد که مسائل و مشکلات پیشین با دسترسی به اسناد موجود برطرف شده‌اند، در نتیجه یک تاریخ‌نگار برجسته از کارکنان سازمان بالاخره در جایگاهی قرار گرفته تا کامل‌ترین نسخه ماجرا را به نگارش دریاورد. نسخه‌های پیشین «زنده باد شاه!» که طبق درخواست آرشیو امنیت ملی منتشر شدند فقط شامل پاراگراف‌هایی بودند که سیا در همان ابتدا از رده‌بندی خارج کرده بود. این نسخه جدید بخش‌های زیادی از متن را که پیش‌تر محرمانه بودند در دسترس قرار داده است. بیشتر این اسناد با آنچه که در مجلد وزارت امور خارجه FRUS منتشر شده مطابقت دارد ولی با این‌وجود چندین اختلاف کوچک نیز به چشم می‌خورد.

بخش‌هایی از تاریخ سیا مربوط به کودتای 1332 ایران که به‌صورت کامل‌تر در اواخر سال ۲۰۱۷ تحت عنوان «زنده باد شاه» منتشر شد به رویکرد این سازمان در انجام عملیات نگاهی منتقدانه داشت و به تأثیر بوروکراسی و سیاست بر نحوه پیشبرد فعالیت‌های برون‌مرزی آمریکا تأکید می‌کرد، اما به‌طور کلی تی‌پی آژاکس یک نقطه عطف در تاریخ سازمان اطلاعات به‌شمار می‌رود زیرا این عملیات میزان قدرت عملیات برون‌مرزی به‌عنوان ابزار اجرایی سیاست خارجی آمریکا را تعریف کرد و همچنین جایگاه سیا به‌عنوان یک ابزار عملیاتی را تحکیم بخشید.

مطابق شواهدی که به‌تازگی در دسترس قرار گرفته‌اند - و همچنین اطلاعاتی که برای چندین دهه در دسترس بوده‌اند - بخش‌های جدید منتشر شده از «زنده باد شاه!» احتمالاً بحث‌های بیشتری را به وجود خواهند آورد که چه کسی باعث موفقیت کودتا شد. با این‌وجود، کاملاً تأکید شده که بدون راهنمایی و حمایت سیا، کودتا علیه مصدق بدون

تردید شکست می‌خورد. اما خوانندگان با مطالعه این اسناد باز به نوعی حس «آشنا پنداری» را تجربه خواهند کرد زیرا نویسنده «زنده باد شاه!» تا حد زیادی از همان منابعی استفاده کرده که طی سال‌های اخیر با بهره‌گیری از قانون آزادی اطلاعات از رده‌بندی خارج شده‌اند و یا در مجلد وزارت امور خارجه منتشر شده‌اند. بنا به گفته مقامات سیا، یکی از اهداف این نسخه توصیف تحلیلی اقدامات سیا در جریان کودتا بود. نسخه سال ۲۰۱۷ «زنده باد شاه!» به این بحث تاریخی دامن می‌زند که اگر سقوط مصدق نتیجه آن چیزی است که در جامعه ایران و در میان نیروهای داخلی رخ داد، آیا سیا باید مسئولیت این سرنگونی را به عهده بگیرد؟ این گزارش اطلاعات جدیدی می‌دهد که نیروهای ایرانی در این امر دخیل بوده‌اند، از جمله میزان اهمیت روحانیون در متقاعد ساختن مردم جنوب تهران و تظاهرات توده‌ای‌ها که نشان از دخالت شوروی دارد که مصدق به آن مجوز داده بود. (ص ۶۳) نکته مهم‌تر آن است که این گزارش در آخر نتیجه می‌گیرد بدون سیا، فرد مناسبی برای جایگزینی مصدق پیدا نمی‌شد. «هیچ نخست‌وزیری قدرت کافی نداشت تا اکثریت مجلس را در دست بگیرد و یا دولت ائتلافی از تمامی احزاب و دسته‌ها تشکیل دهد.» (ص ۸۸) در واقع نسخه سال ۲۰۱۷ «زنده باد شاه!» جزئیات جدیدی پیرامون طراحی، اجرا و پیامدهای تپی آژاکس در اختیارمان قرار داد. نخست آنکه به این موضوع اشاره می‌شود که مقامات سیا عقیده داشتند دولت زاهدی به اندازه کافی قدرت آن را دارد تا برای مدت‌زمان کوتاهی جایگزین مصدق شود ولی برای طولانی‌مدت با چالش مواجه خواهد شد زیرا «شاه هیچ‌وقت به‌طور ثابت از هیچ نخست‌وزیری حمایت نکرده و سیا هیچ دلیل موجهی نمی‌بیند که در این مورد تغییری صورت بگیرد.» (ص ۷۰) این اطلاعات جدید نشان می‌دهد که سیا آگاهانه در تلاش بود تا مصدق را با کسی جایگزین کند که برای جلب اعتماد و حمایت ملی به مدت‌زمان بسیار زیادی نیاز داشت و ممکن بود باعث شود تا در عرصه سیاست ایران چنددستگی و افتراق پدید بیاید. در آخرین نسخه «زنده باد شاه!» به تغییر اساسی که در فاصله ۱۵ تا ۱۹ آگوست اتفاق افتاد نیز اشاره می‌شود. مؤلف می‌نویسد که تپی آژاکس در اصل به‌عنوان نقشه یک کودتای نظامی طراحی شد که «هدفش بر سرکار نشان دادن زاهدی به‌عنوان رئیس نیروهای نظامی و سپس نخست‌وزیر بود.» (ص ۴۸) این تلاش در روز ۱۵ آگوست شکست خورد، ارتشبد نصیری درحالی‌که فرمان شاه مبنی بر انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری را تحویل می‌داد، دستگیر شد. به دلیل دستگیری نصیری، زاهدی پشتیبانی نظامیان را از دست داد و به‌این‌ترتیب در تلاش‌های بعدی برای برکناری مصدق نمی‌شد بر نظامیان تکیه کرد. این گزارش به این موضوع می‌پردازد که فرمان‌های امضاشده توسط شاه تمامی هویت

تپی آژاکس را تغییر داد زیرا هدف دیگر انجام یک کودتای نظامی نبود، بلکه باید مردم را متقاعد می‌کردند که شاه از قدرت قانونی‌اش برای برکناری نخست‌وزیر استفاده کرده ولی مصدق این حکم را نپذیرفته و در نتیجه نخست‌وزیری‌اش غیرقانونی‌اش است.» (ص ۴۸) نتیجه آنکه دومین و آخرین تلاش برای سرنگونی مصدق در روز ۱۹ آگوست بر جمع‌آوری حامیان شاه متمرکز شد و نویسندگان ادعا می‌کنند که «یک کارزار درگیری روانی با سرعت و تمرکز بالا» از یک کودتای نظامی به دقت طراحی‌شده، تأثیرگذارتر بود. (ص ۵۵) این نسخه جدید از «زنده باد شاه!» برخی از مباحث مربوط به دادگاه مصدق را علنی می‌کند، از جمله اینکه رفتار شاه و نقش سیا در شکل‌گیری دولت زاهدی چه بوده و شاه چگونه با پیامدهای آن مواجه شد. در این گزارش به تلگرامی از سیا اشاره می‌شود که در آن سیا تلاش کرده تا شاه را متقاعد کند که اجازه برگزاری یک دادگاه علنی را ندهد و از هر حرکتی که مصدق را به یک شهید بدل کند، اجتناب به عمل بیاورد. (ص ۱۱۰) مطلب این‌گونه ادامه می‌یابد که به نظر می‌رسد «فشار قابل‌توجهی از جانب واشنگتن» باعث شد تا شاه علیرغم تمایلش از برگزاری دادگاه علنی چشم‌پوشی کند. اضافه بر این، در همین تلگرام سیا، به زاهدی توصیه‌شده تا مصدق را در اقامتگاهی در یک روستای کوچک محصور کرده و به شدت تحت نظر بگیرد. (ص ۱۱۰) برخی از این جزئیات در مجلد وزارت امور خارجه نیز موجود هستند. این نسخه از «زنده باد شاه!» می‌گوید که «اغراق نیست اگر بگوییم عملیات تنها به دلیل کرمیت روزولت و واکنش سریع او برای تغییر هویت تپی آژاکس از عملیات نظامی به «واکنش سیاسی» با موفقیت انجام شد. (ص ۷۸) در عین حال نویسندگان پیچیدگی شرایط را هم در نظر گرفته و چنین تحلیل‌هایی ارائه می‌دهند: «باید در نظر داشت که سیا به صورت مستقیم می‌توانست تنها بر پایتخت تأثیر بگذارد و این تأثیر اندک بود. کرمیت روزولت به اندازه کافی پول و یا مأمور در اختیار نداشت که بتواند تظاهراتی به وسعت آنچه در تهران و دیگر شهرها اتفاق افتاد را ساماندهی کند. (همان) در این نسخه اشاره می‌شود که روزولت در توضیح به آیزنهاور، دالس و رئیس ستاد کاخ سفید درباره اینکه او «به عمد» به دولت اطلاعات نداده، نشان می‌دهد که عملیات تا چه میزان در روزهای حیاتی میان ۱۵ تا ۱۹ آگوست از تصمیم‌گیری در واشنگتن به دور بوده است.

سخن پایانی

با توجه به اسناد منتشرشده از زمان کودتای ۱۳۳۲ تاکنون، کمابیش افکار عمومی متقاعد شده است که سیا (CIA) قادر به انجام هرگونه

عملیات کودتایی برای سرنگونی دولتهاست، با توجه به این موضوع یروان آبراهامیان در کتاب «کودتا» یادآوری می‌کند که ایران و آمریکا طی چند دهه گذشته در حلقه‌ای مرگبار گرفتار شده‌اند به طوری که به نظر می‌رسد دشمنان «ابدی» هم لقب گرفته‌اند. به نظر می‌رسد این دشمنی خونی، ریشه در بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا تا شعارهای تحقیرآمیز ایران مبنی بر این که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و «آمریکا شیطان مستکبر جهان خوار» که مصمم به سلطه کل منطقه و همچنین تغییر رژیم است، داشته باشد. بدین طریق آبراهامیان تصریح می‌کند که این دو خود را گرفتار قفسی آهنین می‌بینند؛ البته باید اذعان داشت که بر هر سیاستمداری آشکار است که بخش عمده‌ای از این خصومت دیرین، ریشه در کودتای 1332 دارد. کودتایی که باعث سرنگونی دولت بسیار مردمیِ مصدق شد. در واقع شبح کودتا تا اکنون نیز بر روی روابط ایران و آمریکا سایه افکنده است و می‌توان این بحران را در بن‌بست مجادلات طولانی آمریکا و ایران بر سر برنامه هسته‌ای نیز مشاهده کرد. در این رابطه آمریکا به اهداف نظامی برنامه هسته‌ای ایران مشکوک است و همان‌طور که در گذشته ایران را فاقد دانش فنی برای اداره صنعت نفت می‌دانست اکنون نیز این کشور را فاقد اعتبار اخلاقی لازم برای داشتن دانش هسته‌ای می‌داند.

منابع برای مطالعه بیشتر

موحد، محمدعلی: (1393) خواب آشفته نفت (از قرارداد داری تا سقوط رضاشاه)، تهران، نشر کارنامه
یرواند آبراهامیان: (1389)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی
.....: (1391) کودتا، تهران، نشر نی

سیگل، دنیل، برن، مالکوم، «زنده باد شاه»: قابل دسترسی در:
www.Hajiz.com و خبرگزاری تحلیلی ایران: 15 اسفند 1396 کد خبر:
760588، برگرفته از آرشیو امنیت ملی آمریکا:

[/https://nsarchive۲.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB۲۳۵/](https://nsarchive۲.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB۲۳۵/)

«سازمان سیا اسرار تازه‌ای از کودتای 28 مرداد را فاش کرد». BBC
Persian. ۲۳ ژوئن ۲۰۱۴

Bayandor, Darioush: 2010: Iran and the CIA: The Fall of
Mosaddeq Revisited, Published by Palgrav Palgrave Macmillan.
Uk.

_____ : 2019, The Shah, the Islamic Revolution and
the United States, Published by registered company Springer
Nature Switzerland AG

Gasiorowski, M. J., (1987) "The 1953 Coup d'Etat in Iran."
International Journal of Middle East Studies, vol.19 pp.
Kinzer, Stephen:2003-2008, All the Shah's Men, Published by
John Wiley & Sons, Inc. Hoboken, New Jersey